

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی  
گرایش ادبیات فارسی

تصحیح و تحشیه بخش شرح مشکلات خاقانی از مجموعه ختم الغرائب  
محمد بن خواجگی کیلانی رشتی

استاد راهنما :

دکتر جمشید مظاهری

استاد مشاور :

دکتر محسن محمدی فشارکی

پژوهشگر :

عاطفه اسدی

دی ماه 1388

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات ابتکارات  
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی  
خانم عاطفه اسدی

تحت عنوان

تصحیح و تحشیه شرح مشکلات قصاید خاقانی از مجموعه ختم الغرائب محمد  
بن خواجگی گیلانی رشتی

در تاریخ ۸۸/۱۰/۹ توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی

به تصویب رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر جمشید مظاهری

با مرتبه علمی استادیار امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محسن محمدی فشارکی

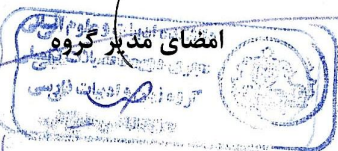
با مرتبه علمی استادیار امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر سیدمرتضی هاشمی

با مرتبه علمی استادیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر احمدرضا یلمه ها

با مرتبه علمی استادیار امضاء



تقدیم به پدر و مادر عزیزم  
که از آغاز هستی خاکی‌ام تا کنون یاری رسان من بودند .  
و با عشق و احترام به هم‌سرم!

## نون و القلم و ما یسطرون:

حمد و سپاس بی کران خدای را که به ما نعمت اندیشه و بیان ارزانی داشت تا با فهم ناقص خود وی را دریابیم و با بیان قاصر خود شکرگزار او باشیم .

اکنون که با یاری وی این رساله به انجام رسیده است شایسته است از تمامی کسانی که مرا در راه انجام آن یاری داده‌اند قدردانی نمایم .

تهیهٔ این رساله را مرهون زحمات استاد گرانقدر جناب دکتر جمشید مظاهری هستم که با حضور سبز خویش در راه انجام این رساله پیوسته یاری گر و همراه من بوده‌اند و در نهایت صبر و آرامش بی‌صبری‌ها و کم‌طاقتی‌های مرا تحمل کردند و مرا درس زندگی آموختند .

در ادامه از جناب استاد محسن محمدی فشارکی سپاسگزارم که از هیچ قدمی در یاری نمودن و تسهیل امور مضایقه نکرده و همچون کوهی محکم پشتیبان و یاری گر بنده بوده‌اند .

و در پایان از پدر و مادر عزیزم که همواره در طول تمامی مراحل زندگی همراه و حامی من بوده‌اند سپاسگزارم!

از درگاه یگانه هستی برای این بزرگواران سلامتی و سعادت جاودانه را خواهانم !

## چکیده :

ختم الغرائب مجموعه‌ای است که مؤلف، آن را به قصد شرح و تفسیر شعر شاعرانی چون خاقانی، ابوالفرج رونی، سیف اسفرنکی و نظامی که اشعار آنان را دشوار و دیریاب می‌دانسته است تألیف کرده است. و از آنجا که اشعار این شاعران بیش از همه در معرض کج فهمی‌ها واقع می‌شده؛ نگارش این مجموعه را بر خود واجب دیده است. نویسنده این مجموعه که خود را در دیباچه اثر، محمد ابن خواجگی گیلانی رشتی معرفی کرده است؛ به اقرب احتمالات باید همان محمد بن خواجگی شیرازی از اندیشمندان قرن دهم و یازدهم هـ باشد که همچون خیل عظیمی از عالمان و ادب دوستان آن زمان رخت سفر به هند بست و توانست در دربار قطب شاهیان و نظام شاهیان کسب اعتبار کند و آثار زیادی تألیف نماید که ختم الغرائب از جمله آنهاست که در سال 1023 هـ به نگارش درآمده است. از آنجا که خاقانی شاعری است که علی‌رغم نگارش شروح متعدد بر اشعار وی هنوز ناگفته‌های بسیار دارد؛ در این رساله کوشش شده است که بخش شرح مشکلات قصائد وی از نسخه ختم الغرائب تصحیح شود و ضمن مقایسه با چندی از شروح معاصر امکان درک همه جانبه و فهم بهتر از اشعار وی حاصل شود.

**کلید واژه :** ختم الغرائب، خواجگی گیلانی، خاقانی، شرح قصائد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	مقدمه: احوال و حوادث زندگی خاقانی
د	مذهب و روحیات خاقانی
و	سبک شعری خاقانی و آثار وی
ز	قدیم‌ترین شروع نگاشته شده بر اشعار خاقانی
ط	شروع و ترجمه‌های خاورشناسان
ط	معرفی ختم الغرائب
ل	معرفی صاحب اثر
ن	ارزش محتوایی اثر
ع	توصیف نسخه‌ها و شیوه تصحیح
ف	شیوه تصحیح
ص	نکات رسم الخطی نسخه
1	متن ختم الغرائب
131	شرح نسخه بدل‌ها
153	مقایسه اشعار متن با دیوان
166	مقایسه با شروع
228	پی‌نکته‌ها



## فهرست کوتاه نوشت ها

اساس: نسخه مدرسه فیضیه قم

بی تا: بی تاریخ

ت: نسخه کتابخانه ملی تبریز

ج: جلد

چ: چاپ

هـ. ق: هجری قمری

س: نسخه کتابخانه سپهسالار

ص: صفحه

م: نسخه کتابخانه ملی تهران

مقدمه:

## احوال و حوادث زندگی خاقانی

افضل الدین بدیل، خاقانی، از شاعران و سخنوران نامدار قرن ششم هجری محسوب می‌گردد. تبخر و دور اندیشی وی در شعر و شاعری باعث شده بود که از جانب عم خود کافی الدین عمر بن عثمان لقب «حسان العجم» بیابد. سال تولد وی به تحقیق معلوم نیست. و در تاریخ وفاتش نیز اختلاف است. برخی تاریخ تولد او را با توجه به تصریح خود در اشعارش 500 هجری دانسته‌اند. از آنجا که خود در دیوان چندین جا به تاریخ 500 هجری اشاره کرده است:

از لفظ من که پانصد هجرت چو من نژاد	مانند هزار سال دگر مخبر سخاش
دایگی کن بنوازش که نژاد	پانصد هجرت ازو به فرزند
پانصد هجرت چو من نژاد یگانه	باز دو گانه کنم دعای صفاهان

اما برخی دیگر تاریخ تولد او را با توجه به برخی دلایل تاریخی 520 ه. دانسته‌اند مولد خاقانی شهر شروان از بلاد اران است. مکانی که خاقانی تربیت‌های اولیه خود را که بیشتر مرهون عمومی خویش «کافی الدین عمر بن عثمان» بوده است، در آن یافت. بعد از درگذشت کافی الدین که در 25 سالگی خاقانی رخ داد او «نظام الدین ابوالعلاء گنجوی» را که شاعر دربار منوچهر شروان شاه بود به عنوان مربی خویش برگزید. ابوالعلاء کسی بود که در تربیت خاقانی همت گماشت و او را به خاقان اکبر «منوچهر» معرفی کرد و تخلص خاقانی را برای او گرفت و دختر خویش را به وی داد. هرچند که بعدها ابوالعلاء از خاقانی رنجیده خاطر شد و میانه او و شاگردش به هم خورد.

همان طور که گفته شد اولین پادشاهی که خاقانی به واسطه ابوالعلاء معرفی به دربار او راه پیدا کرد «فخرالدین منوچهر بن فریدون شروان شاه» بود که خاقانی تخلص خود را از او گرفت و صلت‌های بی‌شمار از او دریافت کرد. اما پس از چندی از خدمت شروان شاه ملول شد و آرزوی دیدار خراسان و عراق در خاطرش خلجان کرد تا عاقبت علی رغم میل شروان شاه رو به عراق نهاد و تازی رفت اما در آنجا بیمار گشت و نیز به دلیل حمله غزان بر خراسان از ادامه سفر منصرف گشت و مجبور به بازگشت به شروان شد. اما چندی بعد باز به قصد حج و زیارت مکه و مدینه راهی سفر شد که قصائد غراً و زیبایی ره آورد این سفر اوست.

در بازگشت به شروان باز خاقانی به دربار شروان شاه پیوست لیکن میان او و شروان شاه به علت نامعلومی که شاید سعایت ساعیان بوده است؛ کدورت رخ داد و کار به حبس شاعر انجامید. به طول کلی پنج قصیده از قصائد خاقانی که از جمله سوزناک‌ترین و مؤثرترین اشعار اوست شرح دردها و گرفتاری‌های او در زندان است که مطلع آن قصائد به شرح زیر است:

فلک کژوتر است از خط ترسا      مرا دارد مسلسل راهب آسا  
روزم فرو شد از غم و هم غمخوری ندارم      رازم بر آمد از دل و هم دلبری ندارم

که این دو قصیده به عظیم الروم «عزالدوله» اتحاف شده است.

صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من      چون شفق در خون نشیند چشم خون بالای من  
و قصیده دیگر که در آن از مشقت‌های زندان فراوان یاد کرده است:

هر صبح پای صبر به دامن در آورم      پرگار عجز گرد سر و تن در آورم  
و قصیده دیگر:

راحت از راه دل چنان برخاست      که دل اکنون ز بند جان برخاست  
علاوه بر سختی‌ها و مشقت‌ها که وی در زندان دیده است مرگ عمش کافی‌الدین و زن و فرزند خردسالش و نیز مرگ پسرش رشیدالدین از جمله دردناک‌ترین حوادثی بود که در زندگی وی اتفاق افتاده و زمینه ساز مرثیه‌هایی زیبا شدند. به ویژه مرگ فرزندش رشیدالدین که زمینه ساز یکی از سوزناک‌ترین قصائد دیوان او گشت با مطلع:

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشاید      ژاله صبحدم از نرگس تر بگشاید

تاریخ وفات خاقانی بنا بر اصلح اقوال 595 هجری است. و این شاعر بزرگ در تبریز چهره در نقاب خاک کشید.

### مذهب و روحیات خاقانی

خاقانی در مذهب بر طریقه اهل سنت و پیرو شافعیه است که نشانه‌های این اعتقاد در اشعار او کاملاً پیداست. و علاوه بر این ائمه شافعیه مانند محمد بن یحیی و محمد اسعد حنفیه و مانند آن را مدح گفته و یا در مرثیه آنان شعر سروده است. او در مذهب متعصب است و اگر چه گاهی روش صوفیانه در پیش می‌گیرد و تلاش دارد که از خشک بودن پرهیزد، اما با این همه تعصب مذهبی در اشعار او کاملاً هویدا است و تنها راه نجات را آداب و سنن دینی و طریق احکام شرع می‌داند:

قرآن شفا شناس که حبلی است بس متین      سنت نجات دان که صراطی است مستقیم

اگر چه گاه به افکار صوفیانه میل می کند و مثلاً می خواری و امتال آن را می ستاید:

گر محرم عیدند همه کعبه ستایان      تو محرم می باشد مکن کعبه ستایی

اگر بخواهیم به دو صفت بارز اخلاقی که با مرور در اشعار خاقانی کاملاً آشکار می شود اشاره کنیم یکی باید به تفاخر گاهاً افراطی، مناعت و بلندنظری او اشاره کرد که خود را از بزرگترین شعرای قدیم از عرب و عجم برتر می شمارد:

بدل من آمدم اندر جهان سنایی را      بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد

یا:

مرا شیوه خاص تازه است و داشت      همان شیوه باستان عنصری

البته می توان علت این تفاخر را ناشی از زندگی خانوادگی وی دانست که شرایط روحی ویژه‌ای را به وی تحمیل کرده است. و دیگر زودرنجی و گله‌گذاری مدام از مردم روزگار صفت بارز دیگر اوست که در موارد بسیار از آن سخن گفته و در اشعار خود مدام به بی وفایی دنیا و مردم آن و تنهایی خویش که همدمی در دنیا نیافته است اشاره نموده است. او حتی با چند تن از شاعران معاصر خود روابطی تیره و تار داشت از جمله آنان ابوالعلاء گنجوی است که پیشتر به آن اشاره شد. و نیز مجیر بیلقانی که از جمله شاگردان خاقانی بود و به دلیل هجوی که درباره مردم اصفهان سروده بود و آنرا به خاقانی نسبت داده بود میان او و استادش اختلاف روی داد. البته میان او و چند تن دیگر روابط دوستی و احترام برقرار بود که از جمله آنان می توان به نظامی اشاره کرد که چون خاقانی در گذشت در رثاء او سرود:

همی گفتم که خاقانی دریغا گوی من باشد      دریغا من شدم آخر دریغا گوی خاقانی

رشیدالدین وطواط نیز از شاعرانی بود که روابط دوستی محکمی با خاقانی داشت اگر چه در آخر کارشان به هجا کشیده اما در میان تمامی این روابط مکدر و نامکدر حسّ تنهایی و بی‌یاوری نکته‌ای است که او در اشعار خود پیوسته به آن اشاره کرده است:

اهل بر روی زمین جستیم، نیست      عشق را یک نازنین جستیم، نیست

**سبک شعری خاقانی و آثار وی**

بدون شک باید خاقانی را یک شاعر مبتکر و دارای سبکی نوین در ادب پارسی دانست او در ابداع ترکیبات و تشبیهات خاص و استخدام الفاظ و بیان معانی در مضامین سبکی نو آورده است که در نوع خود بی نظیر می باشد. او در شیوه بیان خود بیش از همه متوجه عنصری است. اما در سخن سرایی به شیوه سنایی غزنوی هم نظر داشته است. (خیام پور، 1350، ج 2: 308) اشعار او را با تفکر بسیار می توان فهمید و برای فهم این اشعار آشنایی با مقدمات برخی از علوم به ویژه نجوم و طب لازم است. اگر چه گاهی با دانستن آنها نیز نمی توان پرده از چهره معانی بکر اشعار او برداشت. به جرأت می توان گفت که او استاد بیان مسائل و معانی با تعبیرات مختلف است. به شکلی که سخن او هیچ گاه بوی کهنگی نمی دهد اگر چه معانی و مضامین مکرر در اشعار او بسیار است به طور مثال وصف صبح، مجالس طرب، صبحی در اشعار او بسیار است؛ اما هر بار با سحر سخن خود چنان آن را می آراید که کاملاً بدیع در نظر جلوه می نماید.

اوج هنر خاقانی را می توان در قصائد او یافت اگر چه که وی در غزلیات هم مضامین بکر و لطیف زیاد دارد ولی از آنجا که اوزانی انتخاب نموده که چندان با غزل مناسب ندارد غزلیات وی از شهرت و اعتبار چندان برخوردار نیستند.

آثار این شاعر بزرگ عبارت اند از :

1. دیوان اشعار: معروف به کلیات خاقانی که حدود هفده هزار بیت دارد و شامل قصائد و غزلیات و رباعی و اشعار عربی است.
2. تحفه العراقین خاقانی: منظومه ای به طرز مثنوی حاوی قریب به سه هزار و دویست بیت که خاقانی آن را در نخستین سفر حج به سال 551 تألیف کرده است.
3. منشآت خاقانی: چند نامه از خاقانی که آن را به بزرگان زمان خود نوشته است. که مشحون از کلمات و جملات عربی دشوار و مترادف و گاه اشعار خود خاقانی است.

## قدیم‌ترین شروح نگاشته شده بر اشعار خاقانی

شعر خاقانی از آن روز که از سرچشمه ذوق سرشار و طبع وقاد و بلند و خلاق او تراوش کرده هم مشهور و مورد توجه بوده و هم دشوار و نیازمند به شرح به نظر آمده است.

شاعران و ادیبان و تذکره‌نویسان که شرح حال یا گزیده اشعار او را تنظیم و تدوین کرده اند از عظمت مقام و بلندی طبع و قدرت سخن او یاد کرده و غالباً شعر او را موقوف به شرح دانسته‌اند چنان که دولتشاه قصیده «فلک کثر روتر...» را موقوف به شرح می‌داند و از نقل تمام آن خودداری می‌کند.

ظاهراً نخستین شاعری که به خاقانی توجه فراوان کرده و در اندیشه حل مشکلات اشعار او بر آمده امیر خسرو دهلوی بوده است (652-725 ه.ق) که درباره اش نوشته‌اند چون کودک بود پدرش او را در خرقره‌ای پیچیده نزد مجذوبی برد و آن شخص گفت: شخصی می‌آید که از خاقانی چندین قدم جلوتر خواهد رفت و امیر خسرو در مواعظ شخصی خود را تابع سنائی و خاقانی می‌داند. او کلام خاقانی را در ابتدای شاعری خوانده و به نظرش بسیار مغلق آمد. الفاظش را حل نمود اما در **تحفه الصغر** می‌نویسد که: «تتبع آن میسر نشد» اما این تتبع بعدها برای او میسر شد و بعضی از قصاید خاقانی را استقبال کرد.

آنچه را که امیر خسرو در حل مشکلات دیوان خاقانی یادداشت کرده (اگر چیزی نوشته بوده) اگر در دست می‌بود، قدیم‌ترین شرح مشکلات محسوب می‌شد.

اما اکنون قدیم‌ترین شرح اشعار خاقانی را باید از **شیخ جمال الدین علی آذری طوسی** (متوفی 866 ه.ق) بدانیم که قصیده «فلک کثر روتر است...» را شرح کرده و درباره آن نوشته است: «اشکال این قصیده در لغت است که اصطلاحات نصاری در او خرج کرده و این وقتی گفته که محبوس بوده آنچه از این ابیات مشکل تر است در سی و سه بیت شرح کرده و این شرح در **جواهر الاسرار** منتخب کتاب دیگر او **مفتاح الاسرار** آمد و ضمیمه **اشعه اللغات** جامی به چاپ رسیده است.

از شروح خاقانی در قرن نهم هجری، شرحی است که به عبدالرحمن جامی (متوفی 989 ه.ق) نسبت داده شده و نسخه آن را در کتابخانه آصفیه نشان داده‌اند (فهرست منزوی، ج 2: ص 132، نقل از فهرست آصفیه ج 2، ص 1252) با مراجعه به فهرست آصفیه (حیدرآباد) و آصفیه (استانبول) مطلقاً اثری از این کتاب نیست. مینورسکی نیز نوشته است: «مراجعه به نسخه نادر خطی شرح خاقانی به قلم جامی شاعر بزرگ ایران (1414-1492 م) را که به کتابخانه آصفیه استانبول متعلق است مدیون آقای پروفیسور سی. ای استوری می‌باشم» فهرست آصفیه و آصفیه استانبول در کتابخانه استاد مینوی به کمک ایشان بررسی شد و چنین اثری نیست.

اما ضمن آثار جامی هم نامی از این شرح برده نشده است (جامی، تالیف علی اصغر حکمت، و از سعدی تا جامی، تالیف ادوارد برون، ترجمه علی اصغر حکمت) و می‌دانیم که جامی به خاقانی توجه زیاد داشته و قصیده مرآت الصفای خاقانی را استقبال کرده و آن را جلاء الروح نام نهاده است و با توجه به شرحی که درباره اشعار شاعران دیگر نوشته بعید نیست ابیاتی از خاقانی شرح کرده باشد.

شرح دیگر اشعار خاقانی همه بعد از قرن نهم نوشته شده است و به ترتیب تاریخی پیش از دیگران **محمد بن داود بن محمد علوی شادی آبادی** است که شرحی بر چند قصیده خاقانی نوشته و او در دربار ناصرالدین خلجی (906-916 هجری) می‌زیسته و شرح دیوان انوری را نیز به نام او تالیف کرده است.

از این شرح نسخه‌های متعدد در دست است و نخستین قصیده شرح شده مرآت الصفا به مطلع: «دل من پیرتعلیم است و من طفل زبان دانش...» است و چنان که خواهیم دید همه شرح با همین قصیده آغاز شده است و نسخ اصلی دیوان نیز از همین قصیده آغاز کرده‌اند و آخرین قصیده به مطلع:

درین منزل اهل وفایی نیابی      مجوی اهل کامروز جایی نیابی

و آخرین بیت شرح شده:

سخن‌هاش موزون عیار آمد آوخ      مجوی اهل کامروز جایی نیابی

وقتی از شرح مشکلات خاقانی که در قرن دهم هجری نوشته شده، سخن می‌رود باید از فرهنگ خاقانی که در این قرن تالیف شده و حدود 400 لغت، مخصوصاً از قصیده مسیحیت را معنی کرده است سخن بگوییم که فعلاً یک نسخه از آن را بیشتر سراغ نداریم.

شرح کامل و جامعی که بعد از شرح شادی آبادی نوشته شده از **عبدالوهاب بن محمد حسین حسنی معموری** متخلص به غنائی است که اته سال وفات او را 1090 هـ.ق دانسته است و از شرح او به نسخه‌هایی که در کتابخانه‌های برلین و وین است اشاره می‌کند.

این نسخه کهنه 730 صفحه دارد به طور متوسط هر صفحه 2 بیت، پس در حدود 1460 بیت ضبط کرده اما همه ابیات شرح ندارد. پس از این از شرحی که بر بعضی اشعار خاقانی نوشته شده باید شرحی را نام ببریم که **قاضی نورالله شوشتری** (مقتول در 1019 هـ.ق) صاحب مجالس المومنین بر یک قطعه خاقانی نوشته و از آن شیعه بودن او را استنتاج کرده است که قطعه مطلعش این است.

خطی مجهول دیدم در مدینه      بدانستم که آن خط آشنا نیست

و نیز **ابوالحسن حسینی فراهانی** در شرح مشکلات دیوان انوری اشاره‌ای به چند شعر خاقانی کرده و شرحی مختصر نیز داده است و این شرح بعد از سال 1015 هـ. ق تألیف شده است.

شروخی دیگر که نام برده اند اما نسخه‌ای از آنها در دست ما نیست. یکی شرح قبول محمد به نام **فرح افزا** است که متضمن شرح ده قصیده است قبول محمد مولف لغت فارسی به نام هفت قلزم نیز هست.

دیگر شرحی به زبان اردو از احمد حسن شکوت که به سال 1907 م در شهر میرت انتشار یافته است.

شمس الدین محمد بن جمال الدین احمد لاهیجی قصیده مسیحیه خاقانی را در سال 1218 هـ. ق شرح کرده هدایت صاحب مجمع الفصحان نیز ضمن تألیفات خود **مفتاح الكنوز** را در شرح بعضی از اشعار خاقانی نام می‌برد و ضمن شرح حال خاقانی می‌نویسد: «وقتی شرحی مختصر موسوم به **مفتاح الكنوز** بر بعضی از اشعارش نوشته‌ام» ضمن کتب مرحوم عبدالعظیم قریب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم کتابی است تألیف **محمد بن خواجگی گیلانی** در شرح ابیات خاقانی و ابوالفرج رونی و سیف اسفرنکی و خمسه نظامی که خود او می‌گوید: «این کتاب را «ختم الغرائب» نام نهاده چون اکثر ابیات به رسم کنایه و تعمیمه است و به آن ملحق کرده رساله معمای موسوم به مجمع الاسماء را و آن یک مصراع است که هر اسم خواهند از آن بیرون می‌آید و تا حال قریب 200 معما استخراج نموده و مصراع این است: «مهر و مه رخ می‌نهد بر خاک راهت هر زمان» و آغاز شرح اشعار خاقانی این بیت است:

ازین مـشـتی سـمـاعـیلی ایام      وزین جـوقـی سـرـائـیلی بـز زن

### شروح و ترجمه‌های خاورشناسان

خانیکوف خاورشناس روسی که تحقیقات درباره شرح حال او کرده و خلاصه تحقیقات او را ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود آورده است. چهار قصیده او را ترجمه کرده است

مینورسکی قصیده مسیحیت او را ترجمه و شرح کرده است دیگر خاورشناسان مانند یوری مار، چایکین و دیگران کم و بیش در این باره کار کرده‌اند.

ث. زالمان رباعیات خاقانی را در رساله‌ای به روسی با شمارش لغات تدوین کرده و در سنت پترزبورگ انتشار داده است (معین، 1358: 165-153)

### معرفی ختم الغرائب:

ختم الغرائب مجموعه‌ای است که در شرح مشکلات شعری شاعرانی چون خاقانی، ابوالفرج رونی، سیف‌الدین اسفرنکی و نظامی فراهم شده است مؤلف این مجموعه در دیباچه اثر علت نگارش آن را چنین توصیف می‌کند:



« وقتی در کتابی مطالعه افتاد که در آنجا ایراد کرده بودند که در «اداه الفضلا» و «شرفنامه» و اکثر رسائل فرس، اسماعیلی به معنی طایفه‌ای آمده که قضیب اسب را قبله کنند و رستم را تهمت کنند که او نیز این مذهب را داشته و این بیت حکیم خاقانی را مؤید قول خویش آورده‌اند.

ازین مشتی سماعیلی ایام      ازین جوقی سرائیلی بر زن  
عمود رخس را سازند قبله      نهند آنگاه تهمت بر تهمتن

این حال که مشاهده گردید ظاهر شد که آن جماعت سخن خاقانی را نفهمیده‌اند که این قسم هذیان در کتابهای خود نوشته‌اند پس واجب دید که معنی سخن خاقانی را بیان نموده و چون این معنی ظاهر شد مجمعی از برادران طریقت و دوستان حقیقت التماس نمودند که اگر بعضی از اشعار خاقانی و دیگر استادان مثل استاد ابوالفرج و سیف اسفرننگی آنچه را که ممکن و مقدور شود چیزی نوشته آید خالی از فایده نخواهد بود.

متأسفانه در تدوین این اثر نظم و نسق درستی در پیش گرفته نشده است. به طور کل 382 بیت از اشعار خاقانی که به نظر شارح دشوار و دیریاب می‌آمده است شرح شد. که همگی از قصائد خاقانی هستند اما در نگارش شرح و اشعار ترتیب قوافی و نظم آن رعایت نشده است مثلاً اولین قصیده شرح شده قصیده:

« صبحدم آب خضر نوش از لب جام گوهری      کز ظلمات بحر جست آینه سکندری

است، که ملاحظه می‌شود که از آخرین حرف الفبای فارسی آغاز شده و این بی‌نظمی در سراسر اثر به چشم می‌خورد. به طور کلی ابیات شرح شده از 34 قصیده دیوان هستند که مطلع آنها بر اساس دیوان به ترتیب شرح شده در نسخه عبارت است از:

1. ضمان دار سلامت شد دل من
2. صبحدم آب خضر نوش از لب جام گوهری
3. پیش که صبح بر درد شقه چتر چنبری
4. نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا
5. صبح از حمایل فلک آهیخت خنجرش
6. جهت زرین نمود طره صبح از نقاب
7. ای عندلیب جانها طاووس بسته زیور
8. چون آه عاشق آمد صبح آتش معنبر
9. زد نفس سر به مهر صبح ملمع نقاب

10. رخسار صبح پرده به عمدا برافکند
11. صبح است کمان کش اختران را
12. در کام صبح از ناف شب مشک است عمدا ریخته
13. صبح خیزان کآستین بر آسمان افشانده‌اند
14. صبح خیزان کز دو عالم خلوتی بر ساختند
15. مرغ شد اندر سماع رقص کنان صبح دم
16. عالم جان خاص تست نو بفرو کوب هین
17. مرا صبحدم شاهد جان نماید
18. دل روی مراد از آن ندیدست
19. حضرت ستر معلاً دیده‌ام
20. ای پرده معظم بانوی روزگار
21. فلک کژ روترست از خط ترسا
22. از سر زلف تو بوی سر به مهر آمد به ما
23. صفتی است حسن او را که به وهم در نیاید
24. ما فتنه بر توایم و تو فتنه بر آینه
25. این پرده کآسمان جلال آستان اوست
26. هر صبح که نوجهان ببینم
27. چون صبحدم عید کند نافه گشایی
28. دور فلک ده جام را زان نور عذرا داشته
29. صبح خیزان بین قیامت در جهان انگیخته
30. می و مشک است که با صبح بر آمیخته‌اند
31. روزم فرو شد از غم و هم غمخواری ندارم
32. صبح وارم کافتابی در نهان آورده‌ام
33. سلسله ابر گشت زلف زره سان او
34. نکهت حور است یا هوای صفاهان

علاوه بر این در میان ابیات منتخب و شرح شده از یک قصیده نیز نوعی پراکندگی و آشفتگی دیده می‌شود و در بسیاری از موارد ترتیب ابیات با دیوان متفاوت است. و گاهی در میان قصیده‌هایی با قافیۀ یکسان ابیات با یکدیگر خلط شده و ابیات یک قصیده به اشتباه در ذیل قصیده دیگر آمده :

مثلاً بیت :

بر کش بیخ غم ز دل پیش که صبح بر کشد      این خشن هزار میخ از سر چرخ چنبری  
و بیت:

ساخت فرو کند ز اسب آینه بندد آسمان      صبح قبا زره زند ابر کند زره گری

متعلق به قصیده :

« پیش که صبح بر درد شقه چرخ چنبری      خیز مگر ز برق می‌برقع صبح بردری »  
می‌باشد. که در ذیل ابیات قصیده « صبحدم آب خضر نوش از لب جام گوهری » آمده است.

یا بیت :

این کعبتین بی‌نقش آورد سر به کعبم      تا برد و کعبه گشتم چون کعب مدح گستر      یازده

که در ضمن ابیات قصیده « چون آه عاشق آمد صبح آتش معنبر » آمده است و در اصل متعلق به قصیده « ای عندلیب جان‌ها طاووس بسته زیور » آمده است؛ و در کل این پراکندگی و آشفتگی در کل این اثر قابل ملاحظه است.

### معرفی صاحب اثر

نویسنده این مجموعه خود رادر دیباچه «محمد بن خواجگی گیلانی رشتی» معرفی کرده است که ظاهراً باید همان محمد بن احمد خواجگی شیرازی از اندیشمندان مسلمان قرن دهم و یازدهم هجری باشد. (دایره المعارف تشیع، مدخل ختم الغرائب) وی آن گونه که در مدارک تاریخی آمده است تا اوایل قرن 11 در قید حیات بوده است. (رکن زاده، 1338 : 251-250) «خواجگی» در اصل ایرانی بود اما از آنجا که حیات مصنف با استقرار و اقتدار حکومت صفوی و رسمیت یافتن تشیع مصادف بود و او خود از اهل سنت به شمار می‌آمد؛ به احتمال زیاد از ترس این که به جهت عقاید خود مورد تعرض تنگ نظران قرار گیرد؛ به هند که منزل عافیت هنرمندان و سرای راحت خردمندان بود مهاجرت کرده است. زیرا حیات خواجگی با سلطنت پادشاهان ایرانی چون : شاه طهماسب اول، اسماعیل ثانی، محمدخداپنده ، شاه عباس اول مصادف بود. البته در رتبه بعد عوامل دیگری چون : استقبال امرای هند از علما و شعرا، وجود دیگر اندیشمندان ایرانی در هند، شیفتگی هندیان به فرهنگ و زبان ایرانی، فراهم

بودن زمینه‌ی مناسب برای اظهار عقیده و نشر معارف در هند، در مهاجرت وی به هند موثر بوده است. (خواجگی شیرازی، 1375: 36) زیرا آن گونه که از آثار او بر می‌آید او در دربار پادشاهان نظام شاهی و قطب شاهی قرب و منزلتی خاص داشته، شاهد آن این کتاب «نظامیه» و «التحقیقات» را به درخواست نظامشاهیان و تنها اثر تفسیری خویش را به فرمان پادشاه قطبشاهی تألیف کرد. درباره مذهب وی می‌توان گفت که او در ابتدا مذهب شافعی داشت اما پس از آن به مذهب تشیع روی می‌آورد و شروع به شرح کتابهای کلامی شیعه چون: باب حادی عشر و رساله فصول می‌نماید. به طور کلی آثار وی را می‌توان به 3 دسته تقسیم نمود

### 1. آثار کلامی و فلسفی

1. «نظامیه فی مذهب الامامیه»
2. «شرح الباب الحادی عشر» که از آثار کلامی مشهور علامه حلّی است.
3. «شرح فصول نصیریّه» که در شرح کتاب الفصول فی الاصول از خواجه نصیرالدین طوسی است.
4. «تخته الفحول فی شرح الفصول» که شرح عربی استدلالی و مفصلی بر رساله فصول است.
5. «المحجّه البیضاء» که کتاب مبسوطی به زبان عربی پیرامون مباحث کلامی شیعه است.
6. «تمهیدات» که کتابی به زبان فارسی است که به اختصار پیرامون برخی از مباحث حکمی و فلسفی بحث نموده است.

### 2. آثار تفسیری و روایی

1. «مختصر مجمع البیان» در آن خواجگی به تلخیص «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» اثر فضل بن حسن طبرسی دست زده است.
2. «بحر المنافع» که کتاب مهم و مفصلی پیرامون ادعیه و اوراد شرعی است.

### 3. آثار ادبی

1. «شرح فوائد الضیائیه» که شرح کتاب «فوائد الضیائیه» از عبدالرحمن احمد جامی است که یکی از منابع مهم در زمینه علم نحو است.
2. «الفیه» رساله مختصری به زبان عربی است در تحقیق اسماء و حروف تهجّی
3. رساله تحقیق در مسمای الف: که همان طور که از نام آن پیدا است پیرامون مسمی و تعریف حرف «الف» بوده است.
4. دیوان شعر: آن طور که در فرهنگ سخنوران آمده است خواجگی شیرازی به خواجگی شریف نیز ملقب بوده است. (فرهنگ سخنوران: مدخل خواجگی شیرازی) در کتاب «هفت اقلیم» درباره وی چنین آمده است: